

اختیار در فرایند فناوری همسان‌سازی انسانی

لیلا نیکویی نژاد^{۱*}

مقاله‌ی مروری

چکیده

همسان‌سازی انسانی از جدیدترین و پیشرفته‌ترین فناوری‌های بشر در زمینه‌ی علوم پزشکی و ژنتیک به‌شمار می‌رود. همسان‌سازی رؤیای جاودانه زیستن و میل به جاودانگی بشر را تقویت کرد. موفقیت دانشمندان در این زمینه نگرانی‌های زیادی برای اندیشمندان، به‌ویژه علمای علم اخلاق ایجاد کرده است.

همسان‌سازی، اعم از حیوانی و انسانی، از زوایای متعدد بررسی شده است اما یک مسأله‌ی اساسی و مهم که در مورد نمونه‌های انسانی کم‌تر مورد توجه محققان و اندیشمندان قرار گرفته، مسأله‌ی اختیار فرد همسان شده در روند این فناوری است؛ زیرا کسب رضایت آگاهانه که از اصول مهم اخلاق پزشکی در آزمونی‌های انسانی است، امری امکان‌ناپذیر خواهد شد.

اختیار، پایه و اساس کمال بشری و فلسفه‌ی نزول شریعت الهی است و آنچه در این جستار حائز اهمیت می‌باشد سؤال‌هایی است از قبیل این‌که آیا این فناوری ناقض اختیار فرد همسان‌سازی شده نمی‌باشد؟ آیا دست‌کاری ژنتیکی قبل از تولد، اختیار فرد را نقض نمی‌کند؟

در این نوشتار با عنوان «اختیار در فرایند فناوری همسان‌سازی انسانی» با کمک روش کتابخانه‌ای، به تحلیل و بررسی این مسأله می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: اختیار، رضایت آگاهانه، همسان‌سازی انسانی، دستکاری ژنتیکی

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج، باشگاه پژوهشگران جوان، یاسوج

* نشانی: یاسوج خیابان شاهد ۱۱ دانشگاه پیام نور یاسوج، تلفن ۰۹۱۷۶۲۶۵۵۶۵، Email: laile1451@yahoo.com

مقدمه

فناوری همسان‌سازی چیست؟

اولین بار «واژه‌ی کلون را «وبر» در سال ۱۹۰۳ برای توصیف مجموعه‌ای از جانداران به‌کار برد که به‌وسیله‌ی تولید مثل غیر جنسی از یک والد به‌وجود می‌آیند» (۱). «کلون یعنی قلمه‌زدن به‌منظور تکثیر و از ریشه‌ی یونانی clon به معنای «جوانه و ترکه» اقتباس شده است. گویا در مفهوم این کلمه، توانایی تولید نسخه‌های نامحدود از یک ریشه‌ی اولیه گنجانده شده است و به معنی همانندسازی غیر جنسی موجود زنده به‌کار می‌رود» (۲). همسان‌سازی در اصطلاح، دارای دو خصیصه‌ی مهم است: اول، تکثیر به‌صورت غیر جنسی است، یعنی تولید مثل از طریق دخالت جنسی دو جنس مخالف صورت نمی‌گیرد و دوم این‌که امکان تکثیر به‌صورت نامحدود وجود دارد.

نگارنده از میان معادل‌های فارسی کلونینگ^۱، واژه‌ی «همسان‌سازی» را برای به‌کاربردن ترجیح می‌دهد؛ زیرا از یک سو می‌خواهیم از واژه‌ی فارسی استفاده کنیم و از سوی دیگر در همسان‌سازی بحث در مورد شباهت دو موجود نیست، بلکه بیش‌تر متوجه وحدت و یکسانی آن‌هاست؛ به‌عبارت دیگر، «در فناوری همسان‌سازی دنبال این هستیم که همان انسان اولیه و دهنده‌ی سلول بالغ را به‌عینه باز خلق کنند» (۳).

همسان‌سازی اعم از انسانی و حیوانی بر اساس هدف و نتیجه به دو نوع تقسیم می‌شود: همسان‌سازی تولیدمثلی^۲ و همسان‌سازی تحقیقی یا درمانی^۳. «کلون‌سازی تولید مثل به معنی کلون‌سازی برای ایجاد انسان است» (۴). به‌عبارت دیگر، «استفاده از یک جنین کلون شده برای شروع یک حاملگی انسانی است» (۵). «کلون‌سازی تولید مثل به معنی نسخه‌برداری ژنتیکی و ایجاد یک انسان شبیه انسان دیگر است» (۶). در این روش همسان‌سازی برای رسیدن به فرد

همسان شخص اولیه انجام می‌شود که هدف نهایی تولید یک نسخه‌ی کاملاً همسان با موجود بالغ اولیه است. اغلب این روش با روش «انتقال هسته» یکسان در نظر گرفته می‌شود؛ در حالی‌که چنین برداشتی نادرست است؛ زیرا می‌توان همسان‌سازی را با روش شکافت جنین انجام داد و به تولید مثل رسید؛ یعنی با این روش به انسان بالغ همسان با فرد اولیه دست یافت.^۴ «در کلون‌سازی تولید مثل با هدف ایجاد یک مولود کاملاً تکامل یافته، جنین کلون شده در مرحله‌ی بلاستوسیست در داخل رحم کاشته می‌شود و اجازه داده خواهد شد که بیش‌تر تکامل یابد.» (۷).

پژوهش و تحقیق حول آزمون‌های انسانی به‌دلیل بهره‌مندی انسان از کرامت و شأن خلیفه‌ی الهی، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین، یکی از رسالت‌های مهم کمیته‌های اخلاق، توجه به اخلاق در پژوهش است.

تصور خلق انسان بدون سلول جنسی و خارج از مجرای طبیعی، همگان را شگفت‌زده خواهد کرد. فناوری یاد شده، یکی از مناقشه‌برانگیزترین یافته‌های زیستی در جوامع مختلف بوده است. بنابراین، باید این نکته پیوسته مد‌نظر باشد که چنین دانشی با تمام یافته‌های بشری متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که اگر کوچک‌ترین سهل‌انگاری در شناخت همه‌جانبه و کاربرد آن صورت گیرد، می‌تواند عواقب بسیار خطرناکی برای نوع بشر به‌دنبال داشته باشد. بشر هم‌اکنون موقعیت خطیری را تجربه می‌کند؛ چرا که همسان‌سازی به‌عنوان یکی از دستاوردهای نوین علم پزشکی، توانسته افق تازه‌ای را مقابل چشمان وی ترسیم کند؛ اما در مقابله با اعمال موفقیت‌آمیز روی حیوانات، موضع‌گیری‌های سرسختانه‌ای از سوی

^۴ در این مقاله آنچه محور بحث را شکل می‌دهد، همسان‌سازی انسانی با هدف تولید مثل انسان بالغ است نه همسان‌سازی درمانی؛ زیرا در همسان‌سازی درمانی این امکان وجود دارد که جنین در مراحل اولیه تقسیم سلولی از بین برود و دیگر انسان بالغی وجود نخواهد داشت که اختیار او مورد بررسی قرار گیرد.

^۱ Cloning

^۲ Reproductive cloning

^۳ Research cloning

جایگاه اختیار در فلسفه‌ی کانت و تعارض آن با

همسان‌سازی انسانی

کانت (۱۸۰۴ - ۱۷۲۴ م) در تعریف اختیار بر سه مشخصه‌ی اصلی تأکید می‌کند؛ اول، تقویت سایر قوای انسان؛ دوم، عالی‌ترین درجه‌ی حیات انسان و سوم کیفیتی که پایه و اساس هر نوع کمال و وجه تمایز انسان با سایر حیوانات است. او در درس‌های فلسفه‌ی اخلاق می‌گوید: «اختیار استعدادی است که سایر قوای انسان را بی‌نهایت تقویت می‌کند. اختیار عالی‌ترین درجه‌ی حیات و کیفیتی است که پایه و اساس هر نوع کمالی است» (۹). براساس این تعریف، فقط انسان است که می‌تواند به کمال برسد، زیرا اختیار پایه‌ی هر نوع کمال است. از سوی دیگر، اذعان می‌کند که فقط انسان دارای قوه‌ی اختیار است. البته او وجود اراده در حیوانات را انکار نمی‌کند؛ اما اراده‌ی آن‌ها را آزاد نمی‌داند. حیوانات کار خود را براساس اراده انجام می‌دهند، اما اراده‌ی آنها حاصل ضرورت، جبر تحریک‌ها و انگیزه‌هاست که کانت از آن با عنوان «ضرورت کور» یاد می‌کند.

او همچنین معتقد است، اراده‌ی انسان کور نیست، بلکه اراده‌ی آزاد است که ارزشمندی جهان را در پی دارد؛ بنابراین، ارزش جهان در گرو وجود آدمی و ارزش آدمی بسته به اختیار اوست و در نهایت معناداری جهان در گرو اختیار بشری است.

کانت به سبب اختیار است که انسان را غایت فی‌نفسه می‌داند. اما فناوری همسان‌سازی با این دو صفت (غایت‌مندی و اختیار) در تعارض است، «از بین چهار صفت ویژه‌ای که کانت برای انسان بیان می‌کند به‌نظر می‌رسد دو صفت اختیار و خودغایت‌مندی با تکنیک همسان‌سازی انسانی تعارض پیدا می‌کند» (۱۰).

در اندیشه‌ی کانت دخالت و تصرف در جسم انسان روا نیست. زیرا انسان برخلاف اشیاء و حیوانات از قوه‌ی اختیار برخوردار است. تصرف و دخالت در جسم موجود مختار و صاحب افعال مبتنی بر اراده‌ی آزاد جایز نیست.

اندیشمندان مختلف انجام گرفته است.

اندیشمندان دینی به‌ویژه فقها، با ارائه‌ی دلایلی، چون دخالت در خلقت بشر، حقوق‌دانان با ایرادهایی مانند نقض حقوق فرد همسان‌سازی شده و جامعه‌شناسان با تأکید بر به هم خوردن تعادل جمعیتی و ... مخالفت خود را اعلام کرده‌اند. در این جستار نیز نویسنده تلاش نموده تا با طرح دلایل فلسفی و هشدار پیامدهای غیراخلاقی همسان‌سازی، از موضع خود در مقابل این فناوری دفاع کند.

بحث

در مباحث اخلاق پزشکی اغلب سه اصل اساسی بیان می‌شود: سودمندی، احترام به خودمختاری (اختیار و رضایت فرد) و عدالت. اگر این سه اصل در تعارض با یکدیگر قرار گیرند، موضوعات اخلاقی پیچیده‌ای به‌دنبال خواهند داشت. نقش متخصصان اخلاق پزشکی که در حد فاصل بین جامعه و ژنتیک پزشکی کار می‌کنند، سنجیدن تقاضاهای متعارض است که هر کدام بر پایه‌ی یک یا بیش از یک اصل اساسی ذکر شده، ادعای مشروعیت دارند.

اگر به تعریف انسان به حد تام که کامل‌ترین تعریف است، دقت کنیم، جایگاه اختیار در تشکیل هویت انسان را بهتر درک خواهیم کرد. آن‌گونه که ارسطو انسان را حیوان ناطق نامیده؛ نطق و اندیشه را می‌توان منصفی ظهور حقیقی (عالم خارج) اختیار نامید. «آزادی و اختیار با تأمل، تصمیم‌گیری و عمل مسئولانه از سوی افراد انسانی آغاز می‌شود» (۸).

حال، سؤالاتی که ذهن مؤلف را درگیر کرده‌اند این است که آیا همسان‌سازی تولید مثل انسانی گامی است در روند بهبود هویت انسان کنونی؟ یا برخلاف بهبود ژنتیکی و تراریخته کردن، او را به پرتگاه انسانیت خواهد برد؟ آیا افراد از حق انتخاب ویژگی‌های جسمی و ژنتیکی افرادی که هنوز به دنیا نیامده‌اند برخوردارند؟ آیا در این فناوری اختیار فرد کپی شده نقض نمی‌شود؟

همسان‌سازی، جبر ژنتیکی نیست و باعث جبر ژنتیکی هم نمی‌شود؛ بلکه دستکاری ژن‌ها قبل از تولد بدون رعایت اصل کسب رضایت آگاهانه، نوعی اعمال جبر بر زندگی فرد همسان‌سازی شده از راه دستکاری ژنتیکی است. «طبق قوانین موجود به‌ویژه قانون مجازات اسلامی و اصول کلی، به-خصوص اصول اخلاقی، رضایت آگاهانه‌ی بیمار به درمان شرط لازم برای هر اقدام پزشکی بوده و اقدام به معالجه‌ی بدون رضایت، ارتکاب جرم به‌شمار می‌رود و مجازات در پی دارد که لازم است پزشک نسبت به عوارض احتمالی که جزء لاینفک هر اقدام پزشکی است، از خود رفع مسؤولیت کند (برائت) و الا ضامن است» (۱۴).

تعارض اختیار و همسان‌سازی در اندیشه‌ی هابرماس^۱

هابرماس (۱۹۲۹م) از نظریه‌پردازان معاصر آلمانی است که در مخالفت با همسان‌سازی انسانی تألیف‌های زیادی دارد. آنچه در ادامه خواهد آمد، تحلیلی است که با محوریت دو کتاب «مهندسی ژنتیک و آینده‌ی سرشت انسان» و «جهانی شدن و آینده‌ی دموکراسی» تألیف هابرماس ارائه شده است. هابرماس معتقد است فردی که اقدام به تکثیر مصنوعی شخص دیگری می‌کند، از قبل برنامه‌ریزی کرده و تمام صفات و خصوصیات فرد دلخواه خود را طراحی می‌کند. این عمل با تولید و طراحی یک کالا تفاوتی ندارد. چنین رابطه‌ای قاعدتاً بر آگاهی اخلاقی شخص تکثیرشده تأثیر خواهد گذاشت. «ملاحظات بهسازی ژنی که با هدف تقویت ژنی انجام می‌شود، آزادی اخلاقی را کاهش می‌دهند.» (۱۵).

او در کتاب «مهندسی ژنتیک و آینده‌ی سرشت انسان»، می‌گوید، برخورد ابزارگونه و کالاوار با انسان چیزی جز «بردگی نوین» نیست. با این تفاوت که در برده‌داری سستی بین فرد مالک و فرد مملوک رابطه‌ای حقوقی وجود داشت (رابطه‌ای قراردادی و اعتباری)؛ اما در تکثیر مصنوعی انسان، برده بودن مملوک برای مالک فسخ شدنی نیست؛ زیرا فرد عامل، صاحب اختیار کپی، مالک زندگی شخصی فرد کپی و

از مهم‌ترین دلایلی که مخالفان برای ممنوعیت همسان‌سازی ارائه کرده‌اند، نقض اختیار بشری است. «از استدلال‌های اصلی علیه کلون‌سازی، نقض خودمختاری و آزادی انسان، مغایرت با شأن و مقام انسان و تحت سلطه بودن فرد کلون شده توسط فردی است که او را ایجاد کرده است» (۱۱). و نیز «در آینده اختیار فرد همسان‌سازی شده به جهت تصمیم صاحب کپی برای مطابقت کامل او با خود، نه به جهت ترکیب گامت و اسپرم باهم، توسط تولیدکننده‌ی آن نقض شده که با اصل اختیار در تعارض است» (۱۰).

نقض اصل کسب رضایت آگاهانه

اگر ژن‌ها به‌طور تصادفی ترکیب شوند، یعنی دستکاری ژن‌ها قبل از تولد اعمال نشود، اصل اصیل اخلاق پزشکی یا همان «کسب رضایت آگاهانه» نقض نمی‌شود. به‌علاوه، حق «منحصر به فرد بودن شخص» نیز پابرجاست. به بیان دیگر می‌توان گفت:

عدم گسترش دایره‌ی جبر قبل از تولد = عدم دخالت بشر در خلقت قبل از تولد = تصادفی بودن ژن‌ها
نقض اصل رضایت آگاهانه در آزمودنی‌های انسانی = دستکاری ژن‌ها \neq تصادفی بودن ژن‌ها

در فلسفه‌ی اخلاق کانت، اصل استقلال فردی از جایگاه ویژه‌ی برخوردار است و انسان فی‌نفسه غایت است. «انسان نمی‌تواند ذات خود را به‌عنوان یک وسیله به‌کار برد؛ زیرا ذات انسان شیء نیست» (۱۲). «اصل احترام به استقلال فردی در نظام اخلاقی کانت جایگاه ویژه‌ای دارد. از نظر کانت هر انسانی ذاتاً غایت است و نمی‌توان از او استفاده‌ی ابزاری کرد.» (۱۳). واضح است که اصل رضایت آگاهانه ریشه در اصل احترام به استقلال فردی دارد.

مهم‌ترین موضوعی که در رابطه با تحقیق بر روی سوژه‌های انسانی مطرح می‌شود، کسب رضایت آگاهانه است؛ زیرا ممکن است با اصل خودمختاری و اختیار فرد در تعارض قرار گیرد.

در این‌جا لازم است نکته‌ی بسیار مهمی یادآوری شود که

^۱ فیلسوف و نظریه‌پرداز اجتماعی معاصر آلمان

و سرنوشت خود را رقم خورده بدانند» (۱۷).

وقتی فردی به‌طور بازگشت‌ناپذیر تصمیم می‌گیرد که در سرشت ذاتی ژنتیک فرد دیگر (فرد همسان‌سازی شده) تأثیری عمیق بگذارد، تقارن بنیادی مسؤولیت که بین افراد آزاد و برابر وجود دارد، محدود می‌شود. «این تکنیک ترکیب اتفاقی ژن‌ها را رد می‌کند، آزادی انسان را محدود و ژنتیک از قبل تعیین شده ایجاد می‌نماید» (۱۸).

دلیل مخالفت هابرماس با اعمال فناوری همسان‌سازی تولید مثلی روی سوژه‌های انسانی، برخورد ابزارگونه با انسان و نقض صریح اختیار بشری است. به همین دلیل نقطه‌ی اشتراک بین فرد همسان‌سازی شده و کالا را که همان فاقد اختیار بودن است، مد نظر قرار می‌دهد و بر آن تأکید می‌ورزد که چون اختیار انسان همسان‌سازی شده در روند این فناوری نقض می‌شود، کالا و ابزاری بیش نیست.

محور مخالفت هابرماس با همسان‌سازی انسانی، اعم از دلایل شیء‌شدن انسان، بردگی نوین توسط مجریان پروژه‌ی همسان‌سازی انسانی و ناسازگاری این فناوری با کرامت و منزلت بشری است که همه ریشه در تأثیرپذیری او از آراء و اندیشه‌های کانت دارد. او نیز مانند کانت بر این باور است که انسان باید همیشه غایت فی‌نفسه باشد نه ابزاری صرف برای رسیدن به اهداف دیگری غیر از انسان و انسانیت. «قاعده‌ی غایات احکام اخلاقی این ادعا را بیان می‌کند که هر فرد باید همیشه در آن واحد به‌عنوان غایتی فی‌نفسه» در نظر گرفته شود و «هرگز» نباید صرفاً به‌عنوان یک وسیله با انسان برخورد شود»^۱ (۱۹). پس نباید رفتار افراد با هم به گونه‌ای باشد که منجر به شیء‌شدن و شیء‌وارگی دوم شخص شود؛ زیرا در تکثیر مصنوعی، فرد اصلی و صاحب سلول بالغ به‌طور کاملاً خودخواهانه و مقبولیت تام صفات و ویژگی‌های خود، اقدام به تکثیر مصنوعی فرد دیگری می‌کند. شخص

طراح ژنتیک اوست. «شخص شبیه‌سازی شده همواره این خودآگاهی را همراه خواهد داشت که کس دیگری به حوزه‌ی از زندگی او دسترسی داشته که نباید دسترسی می‌داشت» (۱۶). «این‌گونه تفاسیر، آگاهی شخص را در مورد میزان اختیار وی از حیث کارهای روزمره شکل می‌دهد. اما هنگامی که شخص می‌داند که طرح ژن‌های او نه با تصادفی طبیعی و نه با اراده‌ی خداوند، بلکه توسط شخص دیگری مثل خود وی سازماندهی شده، چگونه ممکن است که بر آگاهی او تأثیر نگذارد؟» (۱۶).

مؤلف ضمن ابراز هم رأی بودن با هابرماس، بر این باور است که برای پاسخ‌گویی و مسؤولیت افعال بشری، شرط ضروری این است که زمام اختیار و افعال ما را فرد دیگری در دست نگیرد. اما این اصل که مورد پذیرش اغلب فلاسفه است، در فناوری همسان‌سازی تولید مثل انسان بالغ نقض می‌شود؛ زیرا شخص دیگری درباره‌ی ساخت ژنتیک انسان همسان شده، تصمیم گرفته است.^۱ شرط ضروری عمل آزاد و پذیرش نتیجه‌ی عمل فرد توسط خود او این است که دیگری او را مسلوب الاختیار نکرده باشد؛ اما در تکثیر مصنوعی انسان، فرد دیگری به حوزه‌ی شخصی فرد همسان‌سازی شده وارد شده و بدون اجازه و جلب رضایت او (زیرا کسب اجازه از وی قبل از همسان‌سازی شدن امری غیرممکن است). در حریم شخصی‌اش دخالت کرده است. این درحالی است که چنین شخصی نباید وارد می‌شد و اختیار عمل فرد تکثیر شده را تحت تأثیر قرار می‌داد. در تکثیر مصنوعی رابطه‌ای به‌وجود می‌آید که در تاریخ بشر چنین رابطه‌ای وجود نداشته و آن رابطه‌ی محصول با تولیدکننده است. شخص کپی‌شده می‌تواند به قصد و نیت شخص دیگری اشاره کند که اراده و تصمیم او عامل خلقت بوده است؛ در حالی که در مورد تولید مثل طبیعی همه چیز محصول تصادف است. «شاید فرد کلون شده با توجه به جبر ژنتیکی، خود را در قبال اعمالش مسؤول نداند

^۱ این جمله معادل جمله معروف کانت است که می‌گوید: چنان رفتار کن تا بشریت را چه در شخص خود و چه در شخص دیگری همیشه به‌عنوان یک غایت به‌شمار آوری و نه هرگز تنها همچون وسیله‌ای.

^۱ برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به هابرماس، جهانی شدن و آینده

همسان‌سازی شده به یک کالا و محصول تبدیل گردیده و بیش از یک شی انگاشته نشده است. از این‌رو، فناوری همسان‌سازی انسانی با قاعده‌ی غایبات احکام اخلاقی، یعنی غایت فی‌نفسه دانستن انسان چه در شخص خود و چه در شخص دیگری نیز تعارض پیدا می‌کند. بنابراین، نمی‌توان مجوز همسان‌سازی تولید انسان بالغ را صادر کرد.

پاسخ به شبهه‌ی احتمالی

نگارنده معتقد است که حتی اگر این شبهه مطرح شود که در خلقت انسان‌های عادی نیز خداوند متعال بدون اجازه‌ی مخلوق، خلقت را آغاز کرد و این خود نیز اعمال نوعی جبر در زندگی همه‌ی ما انسان‌هاست، می‌توان چنین پاسخ داد که اول، خداوند قادر کمال مطلق و برتر از همه‌ی انسان‌هاست؛ در صورتی‌که در همسان‌سازی تولید مثلی، فردی که اقدام به همسان‌سازی می‌کند، از حیث کمالات هیچ تفاوتی با فرد همسان‌سازی شده ندارد و دارای تمام خصایص ناقص بشری است. دوم، قابل ذکر است که حتی اگر خلقت انسان‌ها توسط خدای عزوجل را جبری بدانیم، باید قبول کنیم که دایره‌ی این جبر در فناوری مورد بحث به مراتب گسترده‌تر می‌شود؛ به تعبیری «شخص شبیه‌سازی شده ساخته‌ی امیال و خواسته‌های فردی است نه زاده‌ی طبیعت» (۲۰).

به‌علاوه، فرد صاحب سلول بالغ و سوماتیک، فرد اعمال‌کننده همسان‌سازی یا شخص اجاره دهنده‌ی رحم، دایره‌ی این جبر را که از جبر در زندگی انسان‌های طبیعی بسیار بیش‌تر است، تشکیل می‌دهند. «به مجرد این‌که بزرگسالان با صفات ژنتیکی خوشایند با فرزندان خود به مثابه‌ی محصولی برخورد کنند که می‌توانند بر طبق طرحی از علایق خود به این صفات شکل بدهند، آن‌ها نوعی کنترل را بر فرزندان خود، به لحاظ ژنتیک دستکاری شده، اعمال می‌کنند که در شالوده‌های جسمی رابطه - با - خود طبیعی و آزادی اخلاقی فرد دیگر تأثیر می‌گذارد و این نوع مداخله باید فقط روی اشیاء انجام گیرد، نه انسان. به همین دلیل، نسل‌های بعدی می‌توانند از برنامه‌ریزان ژنوم خود توضیح بخواهند. این ساختار جدید

انتساب، از نابودی مرز بین اشیاء و افراد ناشی می‌شود» (۱۹). نوع انسان از آن حیث که انسان است، از این حق برخوردار است که از ویژگی «منحصر به فرد بودن» بهره‌مند باشد. «اصل احترام برای انسان مستلزم این است که شأن افراد را رعایت کنیم. ارزشمند و منحصر به فرد بودن هر انسان را پاس بداریم» (۲۱). افرادی که به‌طور طبیعی زاده می‌شوند و ترکیب ژن‌های آن‌ها تصادفی است، از این حق برخوردارند؛ اما در تکثیر مصنوعی انسان یعنی فناوری همسان‌سازی انسانی این حق نقض می‌شود. «تهدید و چالش جدی برای منحصر به فرد بودن انسان، فناوری همسان‌سازی انسانی است» (۲۲). همه‌ی انسان‌ها حق دارند که ژن‌های آن‌ها ترکیب تصادفی داشته و کسی در این کار دخالت نداشته باشد. ژن‌های افرادی که به‌صورت طبیعی زاده می‌شوند، به‌طور کاملاً تصادفی ترکیب شده و کسی مقصر این ترکیب تصادفی نیست؛ اما در همسان‌سازی انسانی فردی به حوزه‌ی شخصی فرد همسان‌سازی شده وارد می‌شود و به‌وسیله‌ی ژنی از قبل ترکیب شده، شخصی را به‌وجود می‌آورد که ترکیب ژن‌های او از قبل مشخص شده است. شخص همسان‌سازی شده برخلاف سایر افراد متولد شده از راه طبیعی، علت مُعده‌ی او به‌صورت تصادفی نبوده بلکه فرد یا افرادی آگاهانه علت مُعده او شده‌اند و با دستکاری ژنتیکی او، آینده‌ای جبری را برای او رقم زده‌اند. به‌علاوه، شخص نیز حق دارد که دارای خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد باشد که این حق در فناوری یاد شده نیز نقض می‌شود. بنابراین، اگر شخصی از سلول بالغ شخص دیگری کپی‌برداری شود، حق اختیار او نقض می‌شود؛ در نتیجه، همسان‌سازی انسانی با اختیار مغایرت پیدا می‌کند. «هیچ کس نمی‌تواند در جسم و روان دیگری مرتکب مداخلاتی مانند مداخلات ژنتیکی، درمان‌ها و آزمایش‌های خودسرانه و مواردی از این قبیل شود» (۱۳)؛ «نقض اصل استقلال و خودمختاری و هم‌چنین آزادی انسان و محدود کردن آزادی انسان، از جمله چالش‌های شبیه‌سازی انسانی است» (۲۰).

نتیجه‌گیری

نگارنده برخلاف بعضی از پژوهشگران که فناوری همسان‌سازی را فی‌نفسه خستی می‌دانند، معتقد است که نوع تولید مثلی، فی‌نفسه خستی نیست، بلکه ذاتاً با اصل «کسب رضایت آگاهانه» و اختیار در تناقض است.

با تحلیل و بررسی فناوری همسان‌سازی با نگاه فلسفی به این نتیجه رسیدیم که این فناوری با وجود مزایای پزشکی چشمگیر، اختیار فرد همسان‌سازی شده را نقض و آشکارا با اختیار انسان تعارض پیدا می‌کند.

فرد همسان‌سازی شده حتی این حق را دارد که در آینده علیه اعمال‌کنندگان و دست‌اندرکاران فناوری تولید مثلی اقامه‌ی دعوی کند. اعمال‌کنندگان این شخص، فردی از نسل بشر را تا حد کالا تنزل داده‌اند؛ زیرا وقتی که اختیار فرد محدود و نقض شود به مرتبه‌ی پایین‌تر که همان مرتبه‌ی نباتات و در نهایت جمادات است، تنزل می‌یابد و چنین خیانتی به نوع بشر ممنوعیت این فناوری با هدف تولید انسان بالغ را ایجاب می‌کند.

تشکر و قدردانی

از جناب آقای دکتر احمدرضا همتی‌مقدم، استاد فرزانه حاج فریدون داوری و جناب آقای عزیزالله نیکمنش وکیل محترم دادگستری کمال تقدیر و تشکر را دارم.

منابع

- ۱- مروتی س. شبیه‌سازی انسان و مسائل اخلاقی مرتبط. مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی اخلاق زیستی؛ تهران، ایران؛ پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری؛ ۱۳۸۴. ص ۱۷۴.
- ۲- صادقی م. همانندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی. مجموعه مقالات اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی؛ تهران، ایران؛ سمت؛ ۱۳۸۳. ص ۷۰-۶۹.
- ۳- نیکوئی‌نژاد ل. شبیه‌سازی انسانی از منظر فلسفه‌ی اخلاق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه. تهران. دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی؛ ۱۳۸۸. ص ۷.
- 4- Larijani, B. Zahedi, F. Islamic perspective on human cloning and stem cell research. *Transplant Proc* 2004; 36(10): 3188-89.
- 5- Anonymous. National Polices on Human Genetic Modification: A Preliminary Survey. <http://www.geneticsandsociety.org>. (accessed on 2007)
- 6- Anonymous. About Reproductive Cloning. <http://www.geneticsandsociety.org>. (accessed on 2011)
- 7- Hails R. Bioethics for technology? *Curr Opin Biotechnol* 2004; 15(3): 250-3.
- ۸- پیترز ت. بازی در نقش خدا؟ چاپ اول. ترجمه سالاربهزادی ع. تهران: نشر نی؛ ۱۳۸۶. ص ۳۴۱.
- ۹- کانت ا. درس‌های فلسفه‌ی اخلاق، چاپ اول. ترجمه صانعی دره‌بیدی م. تهران: انتشارات نقش و نگار؛ ۱۳۷۸. ص ۱۶.
- ۱۰- نیکوئی‌نژاد ل. فناوری همسان‌سازی انسانی با نگاه به مبانی انسان‌شناختی کانت. فصلنامه اخلاق و تاریخ پزشکی. ۱۳۹۰؛ دوره‌ی ۴ (شماره ۲): ۵۴-۴۴.
- 11- Anonymous. A dozen question (and answers) on human cloning. <http://nrhs.nred.org>. (accessed on 2011)

- ۱۲- کانت ای. بنیاد ماوراءالطبیعه اخلاق. ترجمه‌ی عنایت ح، قیصری ع. تهران: خوارزمی؛ ۱۳۶۹.
- ۱۳- اسماعیل‌آبادی ع، یزدی‌مقدم ح، باستانی الف. تأملات اخلاقی-حقوقی در شبیه‌سازی انسان. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ۱۳۸۷؛ دوره ۱ (شماره ۲): ۳۷-۴۸.
- ۱۴- سادات‌حسینی ع. رضایت بیمار و برائت پزشک. چکیده مقالات دومین کنگره بین‌المللی اخلاق پزشکی ایران؛ تهران؛ ایران؛ دانشگاه علوم پزشکی تهران؛ ۱۳۸۷. ص ۱۰۲.
- ۱۵- عامری‌نیا م. شبیه‌سازی انسان. قم: راه سبز؛ ۱۳۸۶. ص ۶۶.
- ۱۶- هابرماس ی. جهانی شدن و آینده دموکراسی- چاپ اول. ترجمه‌ی پولادی ک. تهران: انتشارات مرکز؛ ۱۳۸۲. ص ۲۴، ۳۲.
- ۱۷- دوایی ن. دیدگاه اسلام در زمینه اخلاق پزشکی با تأکید بر همانندسازی. مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی اخلاق زیستی؛ تهران، ایران؛ پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری؛ ۱۳۸۴. ص ۲۰۷.
- 18- Berlinguer G. Bioethics, health, and inequality. *Lancet* 2004; 364(9439): 1086-91.
- ۱۹- هابرماس ی. مهندسی ژنتیک و آینده سرشت انسان، ترجمه امامی ی. تهران: انتشارات نقش و نگار؛ ۱۳۸۴. ص ۱۲۴-۷۴.
- ۲۰- محمدی ع. مسأله‌ی هویت روانی در شبیه‌سازی انسان. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی ۱۳۸۷؛ دوره ۱ (شماره ۳): ۶۵-۷۲.
- ۲۱- سیم ج. تصمیم‌گیری اخلاقی در درمان، ترجمه‌ی حقیقی ز. تهران: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی تهران؛ ۱۳۸۴. ص ۳۳.
- 22- Anonymous. Human cloning – ethical issues. <http://www.UNESCO/images.Org>. (accessed on 2004)